

تیر نفاق در کمین قلب انقلاب

۸ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۳

تیرماه، ماه یادآوری خاطره سلسله اقدامات تروریستی گروهک منافقان در سال ۶۰ است که بعد از گذشت ۳۴ سال هنوز هم نمی‌توان از تبعات آن چشم‌پوشی کرد.

در پرونده قطور جنایات تروریستی گروهک منافقین، حد فاصل تابستان ۶۰ تا تابستان ۶۱ جایگاهی متفاوت دارد؛ بازه زمانی یک ساله‌ای که در جدول زمان‌بندی مسعود رجوی برای سقوط انقلاب اسلامی به عنوان مرحله حمله به سرمایه‌های فکری و اجرایی با خیال‌واهی خدشه‌دار شدن آینده نظام اسلامی روی آن تمرکز شده بود.

اینگونه سال ۶۰ به بستر ثبت کثیف‌ترین تصویر از سیمای سازمان مجاهدین خلق در خاطر جمعی مردم ایران تبدیل شد؛ تصویری که تیرماه آن سال سهم ویژه‌ای در ثبت و ضبط آن داشت.

مرور خاطرات یک «تیر»

اگرچه در میان حوادث تروریستی تیرماه سال ۶۰ رسانه‌ها بیشتر بر دو حادثه تلخ ششم و هفتم تیرماه تمرکز کرده و می‌کنند اما سلسله اقدامات تروریستی گروهک منافقین در این ماه نشان از عزم جزمشان برای تعبیر رویای خام به زانو درآوردن نظام اسلامی دارد.

فهرست زیر تنها بخشی از اقدامات عملیاتی شده منافقین در تیرماه سال ۶۰ است.

ششم تیرماه؛ سوءقصد به جان امام جمعه تهران

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ماه‌های ابتدایی سال ۶۰ و همزمان با فعالیت پراکنده گروهک منافقین نقش پررنگی در روشنگری پیرامون ماهیت این گروه داشتند.



ایشان که آن زمان امام جمعه تهران بودند در یکی از مهمترین سخنرانی‌های خود از تربیون نماز جمعه صراحتاً اعلام کردند که افراد پشت پرده این گروهک را به خوبی می‌شناسند و اینگونه نسبت به ماهیت این گروه دست به افشاگری زدند.

درست روز بعد از ایراد این خطبه‌ها بود که در ششم تیرماه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که به منظور ایراد سخنرانی در مسجد ابوذر در شرق تهران حضور داشتند، در حین پاسخگویی به پرسشهای حاضرین، بر اثر انفجار بمبی که توسط منافقین در یک دستگاه ضبط صوت کار گذاشته شده بود، از ناحیه کتف، گردن و دست به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل شدند.

اگرچه این اقدام تروریستی منافقین با زنده ماندن معجزه‌آسای آیت‌الله خامنه‌ای ناکام ماند اما گروهک منافقین را از ادامه اقدامات خود مصرف نکرد.

هفتم تیرماه؛ انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی

یک روز پس از سوء قصد به جان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه شامگاه روز یکشنبه هفتم تیرماه ۱۳۶۰، جلسه‌ای در سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران برگزار شد.

شهید بهشتی سخنانش را با این جملات آغاز کرد: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره‌سازی کنند و

سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند و...» در همین لحظه بود که به واسطه انفجاری مهیب ساختمان حزب جمهوری تبدیل به مقتل شهید بهشتی و ۷۲ تن از مسئولان ارشد سه قوه نظام اسلامی شد.



این حادثه تروریستی به گواه اسنادی که بعدها منتشر شد از سوی گروهک منافقین به عنوان موفق ترین عملیات علیه مسئولان نظام نوپای اسلامی قلمداد شده بود.

هشتم تیر؛ ترور رئیس زندان اوین

منافقین به این اندازه از دنائت هم راضی نشدند و به فاصله کم تر از یک روز جنایت دیگری را رقم زدند و محمد کچویی رئیس وقت زندان اوین را هم به شهادت رساندند.

شهید کچویی که به دلیل فعالیت علیه نظام شاهنشاهی در سال ۵۳ دستگیر و به حبس ابد محکوم شده بود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اداره زندان اوین را به عهده گرفت تا سرانجام در ۸ تیر ۱۳۶۰ توسط یکی از منافقین به شهادت رسید.

پانزده تیر؛ ترور استاندار گیلان

برنامه گروهک منافقین برای مبارزه با نیروهای انقلابی محدود به پایتخت نبود و آرام آرام دیگر استان‌ها را هم در بر می‌گرفت. در همین راستا و در نیمه تیرماه ۶۰ در حالی که هنوز ایران در شوک شهادت بزرگان نظام اسلامی بود از گیلان خبر رسید که استاندار انقلابی این استان نیز به دست منافقین به شهادت رسیده است.

شهید علی انصاری که در سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و تا پایان دوره دکترا، تحصیلات خود را گذراند، اما به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع از رساله دکترای خود را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت.

او که در سال ۱۳۵۵، سفری به لبنان داشت و با شهید چمران و امام موسی صدر دیدار کرده بود در سال ۱۳۵۸، عهده دار استانداری گیلان شد و در برخورد با گروه‌های سیاسی مخالف نظام و منحرف، بسیار سخت گیر و فعال بود.

سرانجام این مسئول انقلابی هم در بامداد پانزدهم تیرماه ۱۳۶۰ بر اساس راهبرد ترور فیزیکی یاران انقلاب از سوی منافقین، مورد هجوم آنان قرار گرفت و در ۳۷ سالگی به شهادت رسید.

نوزده تیرماه؛ ترور یکی از روحانیان اهل تسنن و فرزندش

منافقین در ادامه اقدامات خود در نوزدهم تیرماه ۶۰ یک روحانی انقلابی اهل تسنن را به همراه فرزندش که در سیمای مرکز کردستان به تفسیر قرآن می‌پرداخت به شهادت رساندند تا نشان دهند دنائت‌شان هیچ حدودمرزی ندارد.

ملا مسلم جلالی زاده فرزند شهید ملاعلی جلالی زاده، علوم دینی را در عراق فراگرفته و سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت. سال ۱۳۵۲ به سنندج آمد و دوره مدرسه علوم دینی را تا سال ۱۳۵۵ به پایان رساند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی و تعطیلی موقت دانشگاه‌ها به همراه تعدادی از جوانان کمیته انقلاب اسلامی سنندج را پی ریزی کرد و بدان پیوست. در صدا و سیمای مرکز کردستان به تفسیر قرآن و ارشاد مسلمانان پرداخت.

وقتی گروهک‌ها و افراد ضد انقلاب در منطقه کردستان دست به آشوب و فتنه‌گری زدند، ملا مسلم جلالی زاده به مقابله با آنان برخاست و دسیسه آنان را برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان و برهم زدن وحدت ملی کم رنگ ساخت. منافقین تحمل سخنان منطقی و مستدل مسلم جلالی زاده و پدرش را نداشتند و نتوانستند آنان را وادار به تسلیم کنند بدین سبب بود که شب نوزدهم تیر ماه ۱۳۶۰ آن دو را جلو حیاط منزلشان در محله قطار چیان سنندج به شهادت رساندند.

این آغاز فصل تازه‌ای از جنایات گروهک منافقین بود. فصلی که پس از ناامیدی از حذف سران نظام اسلامی، مردم انقلابی کوچه و خیابان در آن هدف گلوله قرار می‌گرفتند و اینگونه در کمتر از یک سال هزاران نفر قربانی کج‌فهمی و درک معیوب «مجاهدین

«خلق» از مفاهیم بلندی همچون «جهاد» و «خلق» شدند.

اسیران «حصار جهل»

تیرماه هر سال، اگرچه فصل مرور خاطرات تلخ این جنایت‌ها توسط گروهکی مدفون در زباله‌دان تاریخ است اما نباید فراموش کرد که هنوز هم اسیرانی گرفتار این «حصار جهل» هستند و هنوز هم مرده ریگ این گروهک خائن به انسانیت به مدد حمایت دست‌های نه چندان پنهان به حیات نباتی خود ادامه می‌دهد.

حکایت «مجاهدین خلق» که خیلی زود پوست انداخته و تبدیل به «خائنین به ملت» شدند و به جرأت می‌توان گفت از منظر خیانت یک گروه به کشور خود، نمونه و بدیلی در تاریخ دیگر کشورها ندارند، داستان سوءاستفاده جماعتی محدود از ناآگاهی و اغفال دیگران به واسطه القاء توهم دانایی به آنان است!



مراجعه به روایت‌ها و اظهارات آزاد شدگان از بند «منافقین» که امروز در قالب مستندهای تصویری و مکتوب بسیار در دست است؛ بهترین سند برای درک این «حصار» است.

درد گرفتاران در این حصار جهل هم تنها ندانستن نیست، توهم دانستن است. این که فراموش کرده‌اند همه چیز آن نیست که می‌دانند و شاید چیزهایی هم باشد که ندانند!

تصاویر ثبت شده از پادگان اشرف و سازوکار فریب‌آلود و نفرین شده سازمان مجاهدین خلق نمادی تمام عیار برای بازشناسی و مواجهه با این موقعیت دردناک است. تصویری تکان‌دهنده از افسوس و حسرت قربانیانی که هرچند امروز فهمیده‌اند که روزگاری در «دنیایی خیالی» زندگی می‌کرده‌اند اما برای عبور از حصار جهل‌شان هزینه‌های بسیار پرداخت کرده‌اند و امروز دردهایی در سینه دارند که گویی هیچ کس از آن خبر ندارد.

خون شهدای تیرماه ۶۰ اگرچه برخلاف انتظار سردمداران منافقین بیش از پیش موجب استحکام نهال انقلاب اسلامی و به بار نشستن آن شد اما نباید فراموش کرد آنچه مردم ایران در این حوادث تلخ از دست دادند دیگر جبران نشد و اینگونه هزینه جهل‌ها و جاهلانه عده‌ای اندک را ملتی پرداخت کردند.

منبع: قدس آنلابن

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۸۳۶/انقلاب-قلب-کمینه-نفاق-تیر>